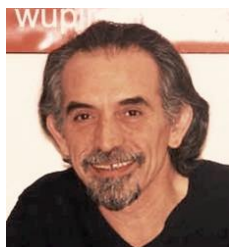




مردم علیه حکومت "اسلام میانه" "طیب، طیب، استعفا!"

صفحه ۲

آذر ماجدی



زنان، مضحکه انتخابات و چشم انداز سقوط حکومت اسلامی

صفحه ۴

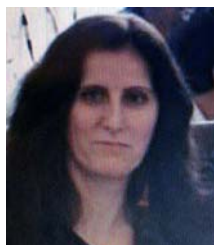
سیاوش دانشپور



مضحکه انتخاباتی فرصتی مناسب برای اعتراض

صفحه ۶

سهیلا ترکیه



در حاشیه نوشته "سمیناری که توانست زنی در سلیمانیه را از مرگ نجات دهد!"

صفحه ۶

چیمن دارابی

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



دیگر فراخوان داده شد.

شنبه صبح از طلوع آفتاب بیش از ۱۰۰ هزار نفر در استانبول دست به اعتراض زدند. همچنین در چندین شهر بزرگ دیگر از جمله آنکارا و ازمیز اعتراضات شکل گرفت. در آنکارا، معترضین کوشیدند به مقابل ساختمان پارلمان بروند که با ممانعت پلیس مواجه شدند. خواست



حفظ پارک به خواست استعفای حکومت رجب طیب اردوغان تبدیل شد. ناراضی‌های انباشته شده از یک حکومت اسلامی مختنق و مستبد فوران زد. حکومت اسلامی اردوغان یکی پس از دیگری مظاهر جامعه سکولار را بازپس می‌گیرد؛ هفته پیش قانونی را سریعاً در مجلس به تصویب رساند که فروش و تبلیغ مشروبات الکلی را بشدت محدود می‌کند. طبق اخبار در غروب روز شنبه پس از عقب نشینی پلیس ضد شورش، در پارک فضای فستیوال برقرار شد. موزیک با صدای بلند پخش می‌شد و معترضین بعنوان اعتراض به این قانون آجومی نوشتیدند.

شنبه شب در حالیکه در میدان تقسیم تعدادی ماشین پلیس

صفحه ۳

مردم علیه حکومت "اسلام میانه"

"طیب، طیب، استعفا!"

آثر ماجدی

اعتراض در پارک کمپ می کردند؛ پلیس ماسک زده به آنها حمله کرده و چادرهای آنها را به آتش می کشید. در ادامه این کشمکش میان مردم معترض و پلیس، روز جمعه یک اعتراض وسیع در شهر استانبول شکل گرفت. پلیس با خشونت وحشیانه ای با باتوم، گاز اشک آور و توپ آبی به مردم حمله ور شد.

گفته می شود در اثر این بورش چند نفری کشته، بسیاری زخمی شده اند، از جمله یک مرد جوان ۲۳ ساله در اثر ضربت باتوم یک چشم خود را از دست داد و تعداد زیادی نیز دستگیر گشته اند. دولت مانع عبور آمبولانس به محل تجمع می شد. مردم از طریق فیسبوک و تویتر کمک پزشکی طلب می کردند و دکترها و دانشجویان پزشکی داوطلب از طریق همین سایتها آمادگی خود را برای کمک اعلام می کردند. یک جو همبستگی و اتحاد عمیق در جامعه شکل گرفت. مردم محله "بیوگلو"، مغازه دارها و صاحبان کافه در محل اعتراض به معترضین و مجروحین کمک می کردند، پلیس سعی کرد اینترنت را مختل کند تا معترضین امکان ارسال عکس و فیلم و خبر به روی سایتها نداشته باشند، در عوض مغازه دارها و صاحبان کافه به آنها اجازه می دادند تا از اینترنت آنها استفاده کنند. دولت اخبار مربوط به اعتراض و سرکوب را کاملاً سانسور کرد. اما از طریق اینترنت اخبار سریعاً در تمام دنیا پخش شد. سرکوب خشن پلیس خشم تمام انسانهای آزادیخواه، برابری طلب و انساندوست را برانگیخت. از طریق سایت های اجتماعی تظاهرات وسیعی برای روز شنبه در استانبول و شهرهای بزرگ

فریاد "طیب، طیب، استعفا"ی هزاران نفر در شهر استانبول روز شنبه اول ژوئن، بالاخره سکوت اردوغان نخست وزیر ترکیه را شکست و او را به تهدید مردم از تلویزیون کشاند. یک سخنرانی طولانی که طی آن به معترضین گفت: عدد برخ من نکشید. شما صد هزار نفر می آورید، من یک میلیون نفر را به میدان خواهم آورد. این سخنرانی تهدید آمیز عملاً حرکتی تدافعی از طرف دولت اسلامی ترکیه در مقابل موج



گسترده اعتراضی در کشور بود. بعلاوه، این سخنرانی بدنبال یک هفته سانسور اخبار اعتراضی از طریق رادیو و تلویزیون و روزنامه های طرفدار دولت، بویژه تظاهرات روز شنبه، که توسط پلیس بشکلی وحشیانه سرکوب شد، خود بر وجود سانسور وسیع در کشور تاکید گذاشت. یک اعتراض آرام با یک خواست محیط زیستی بعلت خشونت پلیس و آماده انفجار بودن جامعه به یک خیزش وسیع توده ای در روز شنبه بدل شد.

روز جمعه ۳۱ مه اخبار اعتراض توده ای در استانبول و سرکوب خشن پلیس دنیا را شگفت زده کرد. این تظاهرات اعتراضی بدنبال اعلام خبر موافقت دولت با تخریب یک پارک قدیمی در میدان تقسیم و تبدیل آن به یک مرکز خرید از روز دوشنبه آغاز شده بود. از دوشنبه، شبها تعدادی بعنوان

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

تبدیل حکومت حزب عدالت و توسعه به بزرگترین قدرت منطقه بود. دخالت مستقیم ترکیه در شکل دادن به یک اپوزیسیون دست راستی و جنایتکار برای دولت سرکوبگر سوریه، یکی دیگر از اقدامات دولت اردوغان در این جهت است.



بمیدان آمدن مردم ترکیه علیه دولت اسلامی اردوغان یک حرکت توده ای مهم در منطقه علیه جنبش اسلامی و قدرت یابی اسلامیتها است.

پس از مبارزات مردم در مصر و تونس، اعتراض علیه یک حکومت اسلامی که بنظر با ثبات و قدر قدرت می رسیده، یک پیشروی مهم برای آزادیخواهی،



سکولاریسم، جنبش آزادی زن و علیه ارتجاع اسلامی است.

مردم علیه حکومت "اسلام میانه"

"طیب، طیب، استعفا" ...

انفجار خشم مردم علیه دولت مستبد اسلامی در ترکیه که بعنوان یک "الگوی موفق" حکومت اسلامی در جهان شناخته شده است، و عملاً توسط دولت های غربی و آمریکا بعنوان یک مدل حکومتی که آنها "اسلام معتدل" می خوانند، برای منطقه تبلیغ می شود، این پتانسیل را دارد که رویاهای رجب طیب اردوغان و حزب اسلامی عدالت و توسعه را نقش بر آب کند. این حزب که ده سال پیش بقدرت رسید، طی این ده سال بتدریج حملات خویش به مظاهر غیرمذهبی و سکولار جامعه را



گسترش داده است. یکی از موفقیت های این دولت را بهبود و شکوفایی اقتصادی ترکیه می نامند. این شکوفایی در واقعیت امر برفع پر پول کردن جیب های سرمایه داران و طبقات دارا و بر گرده یک طبقه کارگر که با سرکوب دولتی به طبقه ای خاموش و ارزان بدل شده، بدست آمده است. ترکیه یک منبع مهم تامین نیروی کار ارزان و بیحقوق برای سرمایه داران بومی و جهانی است.

چند ماه پیش در کنگره حزب عدالت و توسعه اردوغان با ژست سلاطین عثمانی بر روی سن ظاهر شد و یک سخنرانی طولانی ناسیونال-اسلامی برای حاضرین ایراد کرد. این کنگره که رئیس جمهور اخوان المسلمینی مصر و رئیس حماس نیز در آن حضور داشتند، پرده ای از سناریوی



سرنگون شده بود، مردم پیروزی خود را در پارک جشن می گرفتند و عملاً به تهدید اردوغان که در سخنرانی تلوویزیونی خود گفته بود: عملیات تخریب پارک و ساختن مرکز خرید کمالکان به پیش خواهد رفت، بی اعتنا بودند. اما شعارهای مبنی بر خواست استعفای اردوغان در این فضا نیز ادامه داشت. طبق گزارشات خبری گروهها و جریانات مختلفی در این اعتراضات شرکت داشتند: جریانات چپ، اتحادیه های کارگری، کمالیست ها، جریانات مدافع حقوق زن، سکولاریست ها، همجنس گرایان و غیره. خواست حفظ پارک عملاً حاشیه ای شده بود. مردم از استبداد دولت اردوغان سخن می گفتند و اینکه او باید استعفا دهد.

در هفته اخیر چندین اقدام در تحدید حقوق مدنی مردم و تحکیم قوانین اسلامی از طرف دولت انجام گرفته که با اعتراض مردم روبرو شده است. در واقع این فضای اعتراضی در شکل گیری این خیزش عظیم توده ای علیه حکومت اسلامی نقش داشت. در هفته گذشته، مدیریت متروی آنکارا با مشاهده یک زن و مرد که در حال بوسیدن بودند، به آنها اخطار و سپس بخشنامه ای مبنی بر ممنوعیت بوسیدن در مترو صادر می کند. در این بیانیه از مردم خواسته شده که در محل عام "طبق قوانین اخلاقی رفتار کنند." این اقدام با اعتراض بخشی از جوانان روبرو شد و بعنوان اعتراض حدود صد زوج به مترو رفته و در حالیکه پرچم هایی که روی آن نوشته شده بود: "بوسه آزاد" را تکان می دادند، یکدیگر را بمدت چند دقیقه بوسیدند.

اسلام ضد زن است!



سیاوش دانشپور

زنان، مضحکه انتخابات و چشم انداز سقوط حکومت اسلامی

نفرت و سردی نمایش انتخابات بود. تناقضات و جنگ بقای نظام اسلامی به هر اقدام غیر قابل پیش بینی امکان میدهد.

فضای سیاسی ایران از فاکتورهای منطقه ای و جهانی تاثیر میپذیرد و بر این فاکتورها بعضا تاثیر میگذارد. در بغل گوش ایران اتفاقاتی فضای سیاسی ایران را تحت تاثیر قرار میدهد. رویدادهای ترکیه در روزهای اخیر و خواست رفتن اردوغان و دولتش، که قرار بود به الگوی خاورمیانه ای و آفریقائی "اسلام میانه رو" مطلوب آمریکا و غرب تبدیل شود، صفحه جدیدی را باز کرده است. کشمکش با دولت اردوغان کشمکشی با دولتهای مشابه در مصر و تونس نیز هست. این کشمکش باز خود را در تقابل با اخوان المسلمین در اپوزیسیون دست ساز سوریه و پر رنگ کردن گرایش راست کمر مذهبیشان نشان میدهد. در افغانستان علیه جمهوری اسلامی تظاهرات میشود و در اردوگاههای فلسطینی در لبنان، احيانا با فشار حماس و ترکیه، از دریافت کمکهای حزب الله و ایران امتناع میشود و آنها را دور میریزند.

جریان اسلامی ضد زن با تمام شاخه ها و فرقه هایش بنا به عملکرد وحشی و جنایتکارانه شان از یکسو و مقاومت گسترده زنان و مردم آزادیخواه علیه قوانین ضد زن از سوی دیگر، ظرفیتهای کنترل اوضاع را برای طبقات حاکمه از دست میدهد و به جریانات دیگری در کشمکش قدرت سیاسی میدان میدهد. نمایش انتخابات در ایران خواه ناخواه از این روندهای

صحنه سیاسی ایران در آستانه نمایش انتخابات برآستی دیدنی است. همین یک هفته پیش بود که قرار بود "سونامی" دیگری اینبار در دفاع از رفسنجانی رخ دهد. "سونامی" رفسنجانی با فوت "امام زمانی حضرت آقا" خاموش شد و همراه با آن "شور حسینی" انتخاباتی جایش را به "عزای عاشورائی" اردوی طرفداران نظام اسلامی و اپوزیسیون آخوند زده و اسلام زده ایران داد. بیشتر کسانی که شال کلاه کرده بودند تا از "حق رای" شان استفاده کنند، با حذف رفسنجانی - مشائی دچار دیپرسیون سیاسی شدند. کسانی که آنقدر "زمینی" و "سیاست ورز" و "معقول" شدند که شعار میدادند: "از آرزوهایمان حرف نزنیم و به خواست مردم که رفرم میخوانند بچسبیم؛ تنها راه نجات کشور رای دادن به هاشمی است"، ناگهان خود را ورشکسته و بی افق حس میکنند. با این حال یک رگه و منش سیاسی ثابت این سربازان ایجاد "حماسه انتخاباتی" این بوده که بین "بد و بدتر" انتخاب کنند. بالاخره آخوند دیگری هست که از حمایت رفسنجانی و خاتمی برخوردار است و روابط خوبی هم با خامنه ای دارد. حال با تردید دوربین هایشان را روی حسن روحانی متمرکز کرده اند. برخی در این صف امیدوارند اینبار جنبش سبز با رنگ بنفش راه بیافتد.

در اردوی مقابل یعنی باندهای دور و بر خامنه ای و راستهای متحجرتتر، بنظر جلیلی کاندید اولشان بود. اما بتدریج نیروهای اصلی جناح راست روی ولایتی متمرکز شده اند. با اینحال تنور این مضحکه هنوز سرد است و به عملیات شوک و ایجاد دو راهی های مصنوعی و هیجان انگیز و کنترل شده نیاز دارد. در روزهای نزدیک به مضحکه انتخابات باید منتظر مانور و مانیپولاسیون حکومت اسلامی برای فائق آمدن به فضای

منطقه ای و جهانی در کنار مسائل و مشکلات داخلی جمهوری اسلامی چه در درون حکومت و چه در تقابل با مردم محروم تاثیر میگیرد. سیاست جمهوری اسلامی حفظ بالانس خود در اوضاع خطیری است که پیش رو دارد و مضحکه انتخابات تنها دریچه ای برای بروز این تناقضات و به جلوی صحنه راندن آنهاست. جمهوری اسلامی در آستانه روزهای باقی مانده به مضحکه انتخابات خواهد کوشید راه حلی درازمدت تر در مقابل خود و برای تقابل با جامعه بگذارد. روند سیاسی در ایران و منطقه هرچه باشد و افت و خیزهای سیاست از هرچه تاثیر بپذیرد، اما نهایتا تاریخ را نه خامنه ای نه اردوغان و نه آمریکا نمیسازد. اگر اردوغان و مدل اسلامی اش که ورد زبان رسانه های غربی بعنوان "الگوی حکومتی جدیدی برای خاورمیانه"، ناگهان با عروج اعتراض توده ای در ترکیه و اولین تناقضات سیاست منطقه ایش به این روز می افتد، وضع جمهوری اسلامی میتواند سرعت دگرگون شود. با ورود اردوی بشریت آزادیخواه به این جدال تعیین کننده، به نفع سکولاریسم و آزادی و برابری، اوضاع میتواند تماما زیر و رو شود.

در این صحنه درهم ریخته سهم زنان سرکوب و تداوم اوضاع سابق است. همه جا اسلام چنگال خونین اش را بدوا رو به زنان نشانه گرفته است. این "انتخابات" ها تنها به زن ستیزی و اختناق و لمپنیسم اسلامی مهر قانونیت میزند. قرار نبوده و نیست حقی از زنان اعاده شود. اتفاقا یک جهت اصلی این رویدادها عقب راندن

از کمپین سازمان آزادی زن در دفاع از کارگران پوشاک حمایت کنید!



از صفحه فیس بوک این کمپین دیدن کنید:

<https://www.facebook.com/NoMoreDeathStopSlaughterOfWorkersInGarmentIndustry>

جنبش آزادی زن لزوماً یک جنبش زنانه نیست. از قضا گستردگی و عمق این جنبش بیانگر آنست که مردان بسیاری خود را به آن متعلق می دانند؛ بخش وسیعی از نسل جوان بالقوه یا بالفعل به آن متعلق است؛ این جنبش جریانات راست و ارتجاعی را تحت فشار قرار داده است و آنها را به قبول یا تظاهر به قبول برخی تمایلات اجتماعی از جمله سکولاریسم، حال بشکلی رقیق و آبکی، وادار کرده است.

زنان، مضحکه انتخابات و چشم انداز سقوط حکومت اسلامی ...

و سرکوب زنان است.

با اینحال زنان جنبش و نیروی تعیین کننده ای در سیر نهایی این جدالها هستند. بحران در بالا انعکاس قدرت و اعتراض در پایین است و اعتراض زنان یک رکن اساسی آنست. اگر خواست آزادی و برابری خود را به جلسات تبلیغاتی کاندیدادهای رژیم میرساند، تنها بیانگر این واقعیت است که تمایلات و خواسته های اکثریت عظیم مردم ایران بیرون چهارچوبهای جمهوری اسلامی است و این فشار بحدی واقعی است که نمایش انتخاباتی رژیم هم از آن خلاصی ندارد.

آنچه در جریان است "جنگ بازنده ها" است. جنگ باندهای متفرقه اسلامی است که تا روز شیرین سرنگونی شان بارها علیه هم از رو شمشیر میبندند و بارها بخاطر منافع نظامشان و از ترس سرنگونی وحدت و ائتلاف و سازش میکنند. بحث در ایران نه بر سر مدل های اقتصادی است، نه بر سر تقابل گرایشات شناسنامه دار سرمایه داری برسر دولتمداری و قانونگرایی است، و نه بر سر اسامی رمزی که مرتباً در رسانه ها بطور موسمی در مقابل مردم قرار داده میشوند. این یک جنگ بقا دائمی برای اجتناب از سقوط است که البته در کشمکش های درون حکومتی بیان سیاسی هم پیدا میکند.

یک سیاست استراتژیک برای جنبش آزادی زن در ایران برچیدن حاکمیت و قوانین اسلامی ضد زن و ضد جامعه است. زنان باید از تنش در اردوی اسلاميون در ایران و منطقه استقبال کنند و آنها را به وحدت آنها ترجیح دهند. جنبش آزادی زن ضروری است در کل منطقه پرچم سکولاریسم و نفی قوانین اسلامی را برافرازد. زنان در ایران نباید به نیروی اوباش ضد زن از هر جناح و دسته اسلامی تبدیل شوند. زنان باید این روندها را بدقت دنبال کنند و هر جا که میتوانند جلسات نمایش انتخاباتی را به جلسه محاکمه حکومت ضد زن تبدیل کنند. جنبش آزادی زن در ایران باید خود را برای ایفای نقش بعنوان یک جنبش مهم و موثر در تحولات سیاسی و تعیین کننده در شکست حکومت اسلامی آماده کند. دوران اسلام و حکومت اسلامی بویژه در ایران مدتهاست که به سر رسیده است. در رقم زدن این ورق تاریخی جنبش آزادی زن در ایران نقش مهمی ایفا خواهد کرد. *

۲ ژوئن ۲۰۱۳

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!



در حاشیه نوشته "سمیناری که توانست زنی در سلیمانیه را از مرگ نجات دهد!"

چیمین دارابی

در این روزها نوشته ای بنام "سمیناری که توانست زنی در سلیمانیه را از مرگ نجات دهد" توجه مرا به خود جلب کرد. تعدادی فعال حقوق زن در سلیمانیه با زنی برخورد میکنند که برای نجات دخترش از آنها کمک میخواهد. مادر سراسیمه توضیح میدهد که پسرش دارد خواهرش را در خانه بقتل میرساند. این فعالین برای نجات دختر به خانه آنها میروند و دختر را از دست بردار نجات میدهند. با او صحبت میکنند و پس از مدتی او متوجه اشتباه خود میشود. به گریه می افتد و حاضر به رساندن خواهرش به بیمارستان میشود که پیکر نیم جان خواهرش را از مرگ نجات دهد.

این واقعه من را بشدت تحت تاثیر قرار داد و فکر کردم که حضور یک انسان کمونیست در هر جایی برای بشریت مفید است.

عامل اصلی قتل ناموسی

تحت حکومت‌های اسلامی، ارتجاعی و عقب مانده هیچ ارزشی برای زنان که نصف جامعه را تشکیل میدهند قائل نیستند. زن نصف مرد به حساب می آید. حکومت‌های عقب مانده و ارتجاعی حاکم به این جوامع هیچ حق و حقوقی برای زنان قائل نیستند. میخواهند زن مطیع و فرمانبردار مردان باشد و به کار در خانه و بچه داری برسد. زن از دیدگاه آنها فقط وسیله ای برای تولید مثل و رفع نیازهای مردان است. کار زنان زحمتکش در خانه بسیار سخت است اما در جامعه کار محسوب نمیشود. تا ارزشها و قوانین اسلامی در جامعه حاکم باشد، قتل ناموسی هم رخ میدهد.

در نظامی که روزانه جارچیان ارتجاع از آخوند و ملاهای کپک زده در مورد ناموس پرستی توی گوش مردم می خوانند و برای گسترش خرافات هزاران مسجد و تریبون را ایجاد کرده اند، در این شرایط زنان و اکثر عظیم جامعه همواره تحت تهدید و خشونت اند. این نظام جنایتکار با گسترش خرافه و قانونیت دادن به آن، پدر و مادر و برادر را در خانواده ها به وسیله توحش و اعمال جنایت بر اساس تعصبات اسلامی تبدیل میکند. در جاهانی که زنان برخلاف قوانین و سنت و تعصبات رایج عمل کرده باشند، یا توسط قوانین اسلامی و یا بدست همسر، برادر یا پدر بقتل رسیده اند. در مواردی زنان تحت فشار شدید بناچار دست به خودکشی زده اند. هرچند خودکشی راه حل این مسله نیست. بجای خودکشی باید متحدانه در برابر هر گونه نابرابری مبارزه کنیم. برای حق برابری زن و مرد به میدان بیاییم و نگذاریم که حکومت‌های ارتجاعی و اسلامی و عقب مانده با قوانین ضد انسانی خود به این اعمال ادامه دهند. زنده باد برابری زن و مرد، نابود باد جهل و خرافات!*



مضحکه انتخاباتی فرصتی مناسب برای اعتراض

سهیلا ترکیه

دور جدید مضحکه انتخابات ریاست جمهوری در راه است؛ انتخاباتی که با رد صلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی و رحیم مشایی، بازارش حتی برای اصلاح طلبان حکومتی همیشه دم صندوق رای حاضر، سرد و بی هیجان شده است! این اقدام شورای نگهبان عمق شکافهای حاکمیت را بیشتر از پیش نمایان کرد.

با حذف هاشمی رفسنجانی، امید اصلاح طلبان حکومتی باطل شد و حذف رحیم مشایی تاج و تخت احمدی نژاد را به باد فنا داد. تا آنجا که به مردم، زنان به ستوه آمده و کارگران مربوط می شود، این مضحکه ربطی به خواستهای شان ندارد. فقر و فلاکت، بیحقوقی و اختناق و سرکوب تنها چیزی است که تحت این رژیم عاید مردم شده است. خواست مردم سرنگونی رژیم اسلامی است و اکنون نقش آنها از هر زمان مهم تر است؛ با نریختن رای به صندوق ها و اعتراض جمعی به این مضحکه مردم می توانند رژیم اسلامی را به مضاف بطلبند. نقش جنبش آزادی زن بویژه در عقب نشانیدن رژیم اسلامی و خراب کردن مضحکه انتخاباتی بر سر رژیم بسیار تعیین کننده است. باید این رژیم جنایتکار و زن ستیز را به زیر کشید. مضحکه انتخاباتی فرصت خوبی برای اعتراض متحد علیه این رژیم سیاه است.*

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

یک شرایط انسانی در صنعت پوشاک در سراسر جهان متحدانه بکوشیم.



کمپین ما بر ایمنی محیط کار، تامین یک حداقل دستمزد مناسب و شایسته، حق سازماندهی و تشکل، روزکار کوتاه تر و تحت فشار گذاشتن شرکتهای چند ملیتی برای رعایت این شرایط، متمرکز خواهد بود. اول ماه مه ۲۰۱۳ را روز دفاع از کارگران صنعت پوشاک بنامیم.

اطلاعات بیشتر در مورد این کمپین در اطلاعیه بعدی منتشر خواهد شد.

زنده باد همبستگی کارگری!
زنده باد یک دنیای بهتر!

سازمان آزادی زن
۱ مه ۲۰۱۳

تماس: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هما ارجمند

homawpi@sympatico.ca



صنایع است. طبق قانون تشکیل اتحادیه های کارگری و سازماندهی و تشکل کارگران برای دفاع از حقوقشان ممنوع است. این واقعیت که کارگران صنعت پوشاک از محرومترین بخش جامعه هستند و بعلت سنن و حاکمیت ایدئولوژی زن سننیز در جامعه، سرکوب شده و مطیعند، آنها را به یک نیروی کار باارزش برای شرکتهای حریص بدل می کند؛ یک نیروی کاری بسیار ارزان و خاموش.



این وظیفه ماست که به این شرایط وحشیانه پایان دهیم. ما باید قتل عام کارگران در محیط کار را متوقف کنیم. ما باید شرایط کار و زیست شایسته، انسانی و با حرمت برای میلیون ها انسان بوجود آوریم. سازمان آزادی زن همه سازمانها و افراد پیشرو، انساندوست و آزادیخواه را به حمایت از و پیوستن به این کمپین فرا میخواند. برای دفاع از حرمت کارگران و تامین

از کمپین سازمان آزادی زن حمایت کنید مرگ بس است!

قتل عام کارگران در صنعت پوشاک را متوقف کنیم!

در روز چهارشنبه ۲۴ آوریل در بنگلادش، فاجعه فرو ریختن یک ساختمان ۸ طبقه که ۴ کارخانه پوشاک را در خود جا داده بود به مرگ بیش از ۳۷۰ نفر، ناپدید شدن ۹۰۰ نفر و مجروح شدن صدها نفر انجامید. این فاجعه بروشنی حرص و ولع پایان ناپذیر سرمایه داران بومی و شرکت های چند ملیتی چون پرایمارک، ماتالان، مانگو، بنه تون، سی اند ا، جی سی پنی، والمارت، مارکس اند اسپنسر، جرج و امثالهم را بنمایش می گذارد.

کمتر از ۶ ماه پیش یک آتش سوزی در کارخانه پوشاک "تزرین فشن" در بنگلادش بیش از ۱۲۰ نفر را به کام مرگ کشاند و پیش از آن در ۱۱ سپتامبر، آتش سوزی دیگری موجب مرگ ۳۰۰ نفر در یک کارخانه پوشاک در پاکستان شد. خطر آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان کارخانه ها امری عادی در صنعت پوشاک است. از سال ۲۰۰۵ تا این آخرین فاجعه، بیش از ۱۰۰۰ کارگر در صنعت پوشاک فقط در بنگلادش جان باختند.

شرایط کار ناامن، غیر بهداشتی، سخت و طاقت فرسا موجب مرگ و بیماری های شدید بسیاری از کارگران می شود. بسیاری از کارگران بخاطر وجود پرز پنبه در هوا به بیماری سل مبتلا شده اند. دستمزدهای بسیار پایین، ساعات طولانی کار بدون استراحت، آزار دائمی کارگران توسط سرپرستان یک شرایط شبه برده داری برای میلیون ها نفر در کشورهایی چون بنگلادش، پاکستان، هند، ویتنام و چین ایجاد کرده است. اکثریت این کارگران زنانی هستند که از روستاها برای کار در این صنایع مهاجرت کرده اند.

استثمار کودکان یک پدیده عادی در این

پیروزی جنبش آزادی زن در گرو تشکل یابی حول خواست آزادی و برابری است و امحای ستمکشی زن و دستیابی به آزادی و برابری بی قید و شرط و کامل فقط در یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، جامعه ای عاری از طبقات و استثمار و ستم طبقاتی، جامعه سوسیالیستی، امکانپذیر است.

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت 17.30 بوقت تهران از شبکه هات برد

کانال: KMTV مگاهارتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

به دوستانتان اطلاع دهید!

حقوق زن و اسلام سیاسی

به زبان انگلیسی برای دومین بار منتشر شد!

برای دریافت کتاب یا کتابهای مورد نیاز معادل 150 کرون سوئد، 15 یورو یا 20 دلار آمریکا "برای هر کتاب" به حساب زیر واریز نموده و مراتب را با پست الکترونیکی به ما اطلاع دهید. ما کتاب یا کتابهای درخواستی را در هر جای دنیا که باشید برایتان پست خواهیم کرد.

اگر پول از سوئد ارسال شود:

نام بانک در سوئد: PlusGiro شماره حساب در سوئد: 442066-7

اگر پول از کشورهای دیگر ارسال شود:

نام یا BIC بانک: NDEASESS شماره حساب به فرم IBAN: SE55 9500 0099 6018 0442 0667

آدرس الکترونیکی: wshahla.n@gmail.com

ORGANISATION FOR WOMEN'S LIBERATION

1 MAY 2013

سازمان آزادی زن
Women's Liberation - Iran

44



Message of solidarity from
Azar Majidi
31 March 2012

1 May is the International Workers' Day. It is the international day when people declare their determination for building a Free, Equal and Better world. A world where people are equal regardless of their gender, race or religion. We must celebrate this day. The ideals of working class movements for liberation and equality is part of women's liberation aspirations too. Let us all join to celebrate 1 May.

Long Live 1 May!
Long Live Freedom and Equality!

Women's liberation movement is the uncompromising enemy of the Islamic movement.

Women's freedom is the measure of freedom in society. There is still a great deal left to accomplish in order to eliminate inequality between men and women, not only in Iran where misogyny brutally rules, but in the most advanced societies as well. The Organisation for Women's Liberation sees itself as part of the immense historical and international struggle for women's liberation.



نشریه
انگلیسی
زبان
سازمان
آزادی
زن

PAGE 1

ORGANISATION FOR WOMEN'S LIBERATION

1 MAY 2013

A minute silent in memory of Textile workers in Bangladesh

Tragedy in Textile Factory:
Hundreds dead or missing



Maryam Kousha

The Rana Plaza garment factory collapsed on Wednesday 24 April 2013 on the outskirts of the capital Dhaka in Bangladesh. At least 3000 people are estimated to have worked in the building when it collapsed. About 2430 are now known to have survived, and injured but hundreds are dead or missing. On Sunday, the building's owner and more involved with the factory were arrested.

This tragedy happened only 6 months after the fire which engulfed the Tazreen Fashions garment factory in Bangladesh killing 377 workers. Many manufacturing factories in Bangladesh, especially the textile industry use cheap labour in crowded and unsafe conditions to produce garments for the Western fashion retailers. The government of Bangladesh, the factory owners and the Western companies are not concerned about the working and living condition of workers, who are mainly women. All they are interested in is more profit.

The owner of the Rana Plaza factory had added three stories to his building without planning permission. The corrupt government and officials turn a blind eye on the atrocities being committed against the workers.

Safety at work either does not exist or is below standard. It is a criminal act committed by all the officials in Bangladesh. They should be accounted for. The Western retailers, in this case, Primark, Mango and Mataland, cannot claim that they have nothing to do with this tragedy. They are responsible too.

The death of one worker in one part of the world is a sad day for all workers in the world. This May Day, let us have a minute silent in the memory of the workers of Bangladesh. International solidarity and unity is the way forward to oppose such atrocities in Bangladesh and other places. The factory owners, retailers, governments do not regard workers as a hindrance to their cooperation for more profit. The working class too must unite across borders and show its strength in changing the world.



PAGE 8

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

سایتهای سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

www.womensliberation.net

زنده باد آزادی زن!